

تناسب آیه امامت حضرت ابراهیم علیه السلام در سوره بقره با فضای نزول سوره*

فرزانه بیات (نویسنده مسؤول)**

مهدی جلالی***

عباس اسماعیلی زاده****

چکیده:

قرآن کریم موضوع امامت حضرت ابراهیم علیه السلام را در آیه ۱۲۳ سوره بقره مطرح کرده است، که به علت اهمیت این موضوع، مناسبت آن با سوره بقره بررسی شده است. مقاله پیش رو ضمن تاریخ‌گذاری سوره بقره، با بهره‌گیری از گزاره‌های درون‌متنی شامل سیاق، غرض آیات و محورها، موضوعات مشابه با سوره قبلی، و گزاره‌های برون‌متنی شامل گزارش‌های سیره، روایات ترتیب نزول و اسباب نزول، مقطع زمانی نزول آن را در ابتدای ورود پیامبر به مدینه (قبل از جنگ بدر) که دوران تشکیل حکومت اسلامی و استقبال مردم از دین اسلام بود، به دست آورده است. و در ادامه با بررسی امامت حضرت ابراهیم علیه السلام و تشریح مناسبت آن با شرایط و مقتضیات تاریخی زمان نزول سوره بقره، در نهایت به این نتیجه رسیده است که جهت این آیات، پایه‌گذاری اسلام به دست حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد که به جاودانه شدن دین اسلام منتهی می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

فضای نزول / سوره بقره / تاریخ‌گذاری / تناسب / امامت حضرت ابراهیم علیه السلام

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱، تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵.

fbayat212@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد

a.jalaly@um.ac.ir

*** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

esmaeilzadeh@um.ac.ir

**** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

طرح مسأله

نظریه «فضای نزول سوره‌های قرآن کریم» از مباحثی است که در سال‌های اخیر مورد توجه مفسران و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. تعاریف گوناگونی نیز از آن ارائه شده است. از جمله آیت الله جوادی آملی می‌فرمایند:

«فضای نزول مربوط به مجموع یک سوره است که عبارت است از بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است، کشف و پرده‌برداری از این رخدادها و شرایط تبیین آن درباره هر سوره، ترسیم فضای نزول آن سوره خواهد بود.» (جوادی آملی، ۱/۲۳۵)

در ترسیم فضای نزول سوره‌ها باید به همه احوال و اموری که به نحوی شرایط عمومی جامعه از جمله جنگ و صلح، پیروزی و شکست، غلبه روحیه ایمان یا کفر یا نفاق در جامعه، حاکمیت یأس یا امیدواری بر مسلمانان را تحت‌الشعاع قرار داده و فضای فرهنگی و اجتماعی خاصی می‌آفرینند، توجه نمود.

همان گونه که در سخن گفتن باید فضا، یعنی شرایط روحی، مکانی و زمانی مخاطب رعایت شود و به ویژگی‌های مخاطبان با سطوح گوناگون توجه شود، قرآن نیز به عنوان بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین سخن، بدین قاعده توجه داشته است و خداوند شرایط زمان و مکان نزول و احوال مخاطبان را در کیفیت و کمیت نزول قرآن لحاظ کرده است (احمدی، ۲۳۷).

تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن نخستین گام و مرحله نخست کشف فضای نزول است و هرچه کشف تاریخ نزول به صورت دقیق‌تر انجام گیرد، کشف فضای نزول نیز دقیق‌تر انجام خواهد گرفت.

جهت تاریخ‌گذاری سوره، نخست باید کیفیت نزول سوره کشف شود که در دو بخش «ترتیب نزول» و «تعداد واحدهای نزول» بررسی می‌شود. بهترین راه در تعیین ترتیب نزول سوره‌ها، بررسی نقل‌ها و روایات اسلامی موجود در میراث دینی و تاریخی مسلمانان است. روایات تاریخی که در بیان جدول ترتیب نزول سوره‌ها وارد شده‌اند، متعدد و دارای اختلاف هستند. یکی از بهترین و نزدیک‌ترین



راه‌ها برای دستیابی به جدول معتبر، بررسی اعتبار منابع و اسناد این گزارش‌ها می‌باشد (بهجت‌پور، ۹۴/۱). مثلاً اگر امام معصوم یا صحابی بزرگواری جدول مزبور را ادعا کند، جدول وی از ارزش بیشتری برخوردار است.

در تعیین واحدهای نزول یک سوره، مدنظر این است که آیا سوره دفعی النزول است یا تدریجی النزول؟ در پاسخ می‌توان گفت ابتدا باید در زمینه کشف سیاق سوره توجه نموده و با اطلاع از اهداف سوره‌ها، عامل انسجام مجموعه موضوعات درونی یک سوره را کشف و سپس موضوعات الحاقی به سوره نیز بررسی شوند. آن‌گاه روایاتی که سوره یا بخشی از آن را به زمان خاصی مربوط دانسته‌اند، مورد بحث قرار می‌گیرند. در این صورت، اگر تمام آیات سوره‌ای به لحاظ لفظی و محتوایی و روایات یاد شده به هم متصل بودند، می‌توان گفت که آن سوره یک واحد نزول را تشکیل داده و یکپارچه نازل شده است، در غیر این صورت باید احتمال داد که آن سوره مشتمل بر بیش از یک واحد نزول بوده و به‌طور تدریجی نازل شده است.

بعد از انجام این مراحل لازم است تا گزارشی از سوره در قالب غرض، محورها و دسته‌بندی آیات سوره ارائه شود. سپس باید بررسی کرد که آیا در طی آیاتی از سوره مورد بحث، تصریح یا اشاره به رخداد زمان‌مندی مانند جنگ بدر، احد، حنین و یا تغییر قبله شده است. و در انتها آیات و موضوعات مشابه در سوره‌های قبل و بعد سوره مورد نظر که در بخش ترتیب نزول سوره آمده است، با یکدیگر مقایسه شوند.

تاریخ‌گذاری سوره بقره

۱. ترتیب نزول

قول مشهور در ترتیب نزول این سوره طبق روایت ابن عباس و تکمیل آن مطابق روایت جابر بن زید، با تصحیح از روی نسخه‌های متعدد قابل اعتماد، بر این است که این سوره اولین سوره نازل شده بعد از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و

هشتادوهفتمین سوره نازل شده می‌باشد (معرفت، ۱۳۷/۱؛ طبرسی، ۶۱۳/۱۰؛ سیوطی، ۹۶/۱؛ زرکشی، ۱۹۴/۱؛ حسکانی، ۴۱۰/۲؛ ابن عاشور، ۲۰۲/۱).

تأمل در مضامین این سوره نظیر آیات ۲۱۷ و ۲۱۸ که ناظر به سریه عبدالله بن جحش و مربوط به زمانی قبل از جنگ بدر می‌باشد (واحدی، ۶۱؛ طبرسی، ۵۵۱/۲)، و حوادث و مناسبت‌های سال اول و دوم هجرت مانند تغییر قبله نیز نزول آن را در مقطع زمانی مذکور تأیید می‌کند (جوادی آملی، ۴۱/۲).

از طرفی جهت کشف سیر تحول قرآن در برخورد با جامعه نزول، باید آیات و موضوعات مشابهه سوره بقره با سوره قبل از آن (مطففین) مقایسه شوند؛ موضوعاتی مانند:

الف) عدم ایمان راسخ به رستاخیز: این موضوع در سوره مطففین این گونه تصویر شده است: ﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ (مطففین/۵-۴) و در سوره بقره این گونه گزارش شده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (بقره/۶).

ب) سرنوشت فاجران گناهکار و متجاوز: در سوره مطففین با یک جمله تکان‌دهنده به عاقبت شوم منکران معاد اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾؛ تکذیبی که سرچشمه انواع گناهان و از جمله کم‌فروشی و ظلم است. و در سوره بقره خداوند با روشی ماهرانه برای بیان کردن جزای کافران، از راه اعجاز قرآن وارد می‌شود و با این بیان که آنها هرگز نمی‌توانند مانند قرآن را بیاورند، آنها را به عذابی سخت وعده می‌دهد (بقره/۲۴).

ج) مواهب عظیم و نعمت‌های روح‌پرور نیکوکاران در بهشت: در سوره مطففین با بیان این نعمت‌های جاودان و شادی و سرور بهشتیان، نور امید را در دل مؤمنان روشن می‌سازد و آنان را در برابر آزار و دشمنی مجرمان دل‌داری می‌دهد تا در اثر تحقیر و استهزای آنان اندوهگین نشوند (مطففین/۲۴-۲۸). این موضوع در سوره بقره نیز با الفاظ و عبارات مشابه تکرار شده است (بقره/۲۵).

د) دو لفظ مشابه «ران» و «ختم»: در سوره مطففین درباره افراد لجوج و بی‌ایمانی که بر اثر گناهان بسیار در برابر عوامل هدایت نفوذناپذیر شده‌اند، تعبیر «ران» را



به کار برده است (مطففین/۱۴) و در سوره بقره تعبیر «ختم» به کار رفته است (بقره/۷).

این موضوعات مشابه نشان از نزدیکی محتوایی ابتدای سوره بقره با سوره مطففین می باشد و ناظر به فضایی مشابه و نزدیک به یکدیگر، یکی در آخر دوران بعثت در مکه و دیگری ابتدای هجرت در مدینه می باشد.

۲. تعداد واحدهای نزول

از تأمل در سوره های قرآن و نگاه کلی به آیه های یک سوره، یک نوع انسجام و هماهنگی میان آیه های هر سوره از قرآن دیده می شود که هر سوره از قرآن را بسته ای هدفمند و یکپارچه نشان می دهد. بنابراین هر سوره ای در پی هدفی خاص است که تا رسیدن به این هدف، سوره پایان نمی یابد (طباطبایی، المیزان، ۱/۱۶۷). از طرفی شیوه نزول سایر سوره ها در بیشتر موارد این گونه بود که نزول سوره جدید با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می شد و آیه های مربوط به آن سوره پی در پی فرود می آمد تا آنکه بار دیگر «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می شد که نشانه آغاز نزول سوره جدید بود (عیاشی، ۱۹/۱). پس وحدت نزول سوره ها از نتایج عقلی نظریه هدفمندی سوره ها می باشد و واحدهای نزول یک سوره نمی تواند فاصله زمانی زیادی از هم داشته باشند. از سویی از آنجا که سوره بقره از جمله سوره هایی است که اشاره به رخداد های زمانمند با فاصله زمانی طولانی دارد، از این رو تعیین تاریخ نزول این سوره با مشکل مواجه می شود.

با مطالعه ای که روی کتب تفسیری انجام شد، نخستین موضوعی که اصل وحدت نزول این سوره را خدشه دار کرده و امکان نزول چندباره و پاره پاره سوره را به ذهن متبادر می سازد، آیاتی است که به طور پراکنده در طول دوره ده ساله مدینه نازل شده است. برخی از این آیات عبارت اند از:

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ﴾ (بقره/۱۰۹). ابن عباس می گوید: این آیه در پاسخ عده ای از یهود نازل شده که پس

از واقعه احد به مسلمانان گفتند: دیدید که دچار چه مصیبتی شدید، و اگر بر حق بودید، شکست نمی‌خوردید، به دین ما برگردید که بهتر است (واحدی، ۳۸).

جریان مهم دیگری که آیه به آن اشاره دارد، آیه تغییر قبله است: ﴿سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلاَهُمْ عَن قِبَلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِمْ﴾ (بقره/۱۴۲). محمد بن احمد بن جعفر با اسناد از براء بن عازب روایت می‌کند که وقتی پیغمبر ﷺ به مدینه آمد، شانزده یا هفده ماه به سمت بیت المقدس نماز می‌خواند و خود علاقمند بود که به سوی کعبه نماز بخواند و این آیه نازل شد: ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ﴾. مردم سفیه (مقصود یهودیان است) گفتند به چه سبب قبله آنان تغییر کرد؟ آیه مورد بحث در جواب نازل شد (واحدی، ۴۵؛ ابن سعد، ۱۸۶/۱).

آیه دیگر ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ﴾ (بقره/۱۵۴) درباره شهدای بدر است که هشت تن از انصار و شش تن از مهاجرین بودند و سبب نزول، آن بود که مردم (غیر مؤمن) درباره کشتگان راه خدا می‌گفتند مُرد و دستش از نعمت و لذت دنیا بریده شد (واحدی، ۴۷).

آیه دیگر جنگ مقابله به مثل را بیان می‌کند: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْقَهُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (بقره/۱۹۱). از ابن عباس نقل شده که بعد از مصالحه پیامبر ﷺ با مشرکان برای انجام عمره مسلمانان در سال ششم هجرت (صلح حدیبیه) در حالی که از بروز جنگ و مقاتله در ماه حرام نگران بودند، آیه در این مورد نازل شد و دستور داد که اگر دشمن نبرد را شروع کند، شما هم در برابر او به مبارزه برخیزید (همان، ۵۷).

از طرفی برای کشف ارتباط و پیوستگی آیات دیگر سوره از آغاز تا پایان برای به‌دست آوردن تعداد تقریبی واحدهای نزول، لازم است تا گزارشی از سوره در قالب غرض محورها و دسته‌بندی آیات سوره ارائه شود.

گزارشی از محورها و دسته‌بندی آیات سوره بقره

این سوره از سه بخش تشکیل شده است.



۱. اهمیت و جایگاه ایمان در زندگی انسان

۳۹ آیه نخست این سوره، اهمیت و جایگاه ایمان به خدا و بندگی او را در زندگی فردی و اجتماعی انسان بیان می‌کند. بر اساس آیات این بخش، افراد جامعه یا متقی و باایمان هستند که از هدایت قرآن بهره‌مند می‌شوند، یا کافرانی انذار ناپذیرند که از هدایت قرآن بی‌بهره‌اند، و یا مدعیان دروغین ایمان‌اند که در حقیقت مؤمن نبوده و دروغ‌گویانی بیش نیستند و از آنجا که منافق دارای دو چهره است و شناختن منافق فقط با اوصاف و اعمال او میسر است، به تفصیل در این بخش از آنها سخن رانده است. در آیات بعد (۲۱-۲۹)، راهکار عملی کسب تقوا را، خداپرستی و نفی شریک از خدای سبحان دانسته و بیان می‌نماید که خداپرستی و نفی شرک با ایمان به حقانیت قرآن محقق می‌شود، از این رو به اثبات اعجاز قرآن از راه تحدی می‌پردازد و با بهره‌گیری از ابزار سودمند انذار و تبشیر، مردم را به ایمان دعوت می‌کند. سپس در آیات ۲۸-۳۹، با اشاره به آفرینش انسان که چگونه خداوند او را از عدم آفرید و استعدادهایی در وجود او به ودیعت نهاد تا مراحل کمال را به تدریج در دنیا و پس از آن در عالم پس از مرگ پیماید (طباطبایی، المیزان، ۱/۱۱۱)، مقام مطلوب انسان یعنی خلافت خدا در زمین را هدف از هدایت قرآن در آیه دوم معرفی می‌کند.

۲. یهودیان مدینه، مهم‌ترین مانع ایمان

در این بخش که شامل آیات ۴۰-۱۷۶ می‌باشد، با بررسی موانع گسترش دین در جامعه اسلامی، به مقابله با اشکال تراشی‌ها و بهانه‌جویی‌های یهودیان مدینه می‌پردازد. آنان مهم‌ترین مخالفان آیین توحیدی و برپایی حکومت دینی در شهر مدینه بودند. این بخش با دعوت یهودیان به ایمان به پیامبر اسلام که بخشی از پیمان خدا با بنی اسرائیل است، آغاز می‌شود. در واقع در قسمت پیشین، خلافت خدا در زمین برای انسان، هدف نهایی هدایتگری قرآن شناخته شد. در این قسمت به منظور آسیب‌شناسی تحقق این هدف بزرگ، از بنی اسرائیل یاد می‌شود که امتی مورد عنایت خدای متعال بودند، ولی به دلیل ناسپاسی‌ها و پیمان‌شکنی‌های مکرر خود، از نیل به

مقام خلافت خدا در زمین بازماندند. روشن است که یهودشناسی حاصل از آیات این متن، در عین تأمین غرض بالا، نیاز مسلمانان را به شناسایی مهم‌ترین دشمنان خود و اصلی‌ترین مانع تشکیل و استقرار نظام اسلامی برطرف می‌کند.

مهم‌ترین مباحثی که در این بخش از سوره مطرح می‌گردد، به شرح زیر است:
 الف) آیات ۴۰-۴۸ ضمن دعوت یهودیان به اسلام، از آنان می‌خواهد با ایمان به پیامبر اسلام، پایبندی خود را به عهد و پیمانی که با خدا بسته‌اند، نشان دهند و برای دستیابی به منافع ناچیز دنیوی، حقانیت قرآن و پیامبر را انکار نکنند.
 ب) آیات ۴۹-۷۴ به صورت تفصیلی، نعمت‌های خدا به بنی‌اسرائیل و بهانه‌جویی‌ها و سرکشی‌های آنها را در برابر این نعمت‌ها برمی‌شمرد و بدین وسیله، هم یادآوری نعمت‌ها را برای ایشان محقق می‌کند، و هم مسلمانان را به شناختی صحیح از ایشان ناائل می‌نماید.

آیات مذکور برای نشان دادن ویژگی‌ها و روحیات بنی‌اسرائیل، داستان‌هایی از زندگی قوم یهود را در گذشته یادآور می‌شود و در برخی موارد، رفتارهای یهودیان زمان پیامبر را با رفتار آنها مقایسه می‌کند تا نشان دهد خصلت‌های اساسی بنی‌اسرائیل در طول تاریخ تفاوتی نکرده است.

سپس به بیان رفتارها و تلاش‌های مذبوحانه یهودیان زمان پیامبر می‌پردازد و بهانه‌جویی و اشکال‌تراشی‌های آنان را برمی‌شمارد. یهودیان با تکیه بر این بهانه‌ها، کوشش می‌کردند بی‌ایمانی خود و مخالفتشان را با پیامبر اسلام موجه جلوه دهند و افزون بر این، از گرویدن اعراب به اسلام مانع شوند (مکارم شیرازی، ۱/۳۴۵).

ج) آیات ۱۲۴-۱۷۶ که آغاز آن به منزله مقدمه‌ای برای بیان مطالب مربوط به حضرت ابراهیم علیه السلام است. این آیات در واقع بعد از بیان اعتقاد اهل کتاب که هدایت و نجات را خلاصه در یهودیت و نصرانیت می‌دانستند، پس از آنکه شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام و آیین او را به تفصیل معرفی می‌کند، می‌فرماید: هدایت فقط در سیره و روش ابراهیم علیه السلام خلاصه شده؛ همان سیره‌ای که ذره‌ای انحراف از حق در آن مشاهده نمی‌شود و نتیجه آن این است که ابراهیم علیه السلام حتی لحظه‌ای به خدا شرک نرورزید.



در آیات بعد، با بیان شبهه و جواب نسبت به تغییر قبله و ذکر فلسفه این حکم، پس از بیان شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام و بنای خانه کعبه به دست او و دعوت به آیین ابراهیمی در بخش قبل، در واقع فضای پس از تغییر قبله را ترسیم کرده و به مسلمانان خاطرنشان می‌کند همان گونه که قبله شما یادگار ابراهیم و پذیرش دعای اوست، ارسال پیامبر شما هم استجابت دعای اوست.

سپس در آیات پایانی این بخش، آخرین هشدارها را به یهودیان و پیشوایان گمراهشان می‌دهد و از آنان می‌خواهد از کتمان حقایق درباره حقانیت پیامبر اسلام (طباطبایی، المیزان، ۱/۳۸۸) بپرهیزند و آنها را به عذابی دردناک وعده می‌دهد.

۳. اصول عقاید و مقررات دین اسلام

با توجه به اینکه جهت هدایتی این سوره ارائه منشور هدایت اجتماعی است، تاکنون خلافت را به‌عنوان چشم‌انداز هدایت معرفی کرد و سپس آسیب‌شناسی تحقق خلافت را با بیان جریان بنی‌اسرائیل پیگیری نمود و در ادامه با ذکر ابراهیم علیه السلام، نمونه‌ای عینی از موفقیت در تحقق خلافت را بیان کرد و زمینه ورود به مباحث مربوط به اسلام را فراهم ساخت و در اولین گام مباحث مربوط به اسلام، قبله را برای استقلال هویت مسلمانان به سمت کعبه تغییر داد و از آن دفاع کرد و اینک زمان آن رسیده است که با ارائه دستوراتی از احکام فقهی، عقاید و اخلاق اسلامی، در صدد شکل‌دهی هویت اجتماعی مسلمانان باشد تا مبنای استواری برای پی‌ریزی جامعه دینی در مدینه باشد.

ابتدا در آیه ۱۷۷، کلیات عقاید، اخلاق و وظایف عملی هر مسلمان بیان شده و در سایر آیات تا پایان سوره، این مباحث با تفصیل بیشتری مطرح شده است (همان، ۴۲۹).

در آیات ۱۷۸-۲۴۲، احکام و مقررات دین اسلام در بیش از بیست موضوع مطرح می‌گردد. در بیان احکام شرعی، توجه به مبارزه با افکار و آداب و رسوم دوران جاهلیت و افراط و تفریط‌های آن زمان کاملاً مشهود است. در این قسمت قوانین اسلام درباره قصاص، وصیت، روزه ماه رمضان، کسب مال از راه حلال،

جهاد با دشمنان خدا، حج و زیارت خانه خدا، حکم شراب و قمار، مقدار انفاق و موارد مصرف آن، سرپرستی یتیمان، ازدواج با مشرکان، عادت ماهانه زنان، سوگند خوردن به خدا، انواع و احکام طلاق، ازدواج زنان پس از طلاق، حقوق فرزندان طلاق، عده وفات، مهریه زنان و نفقه زنان مطلقه و شوهرمرده بیان می‌گردد.

سپس در آیات ۲۵۵-۲۶۰ به تبیین مهم‌ترین اصول اعتقادی اسلام، یعنی توحید و معاد می‌پردازد (مغنیه، ۳۹۱/۱). نکته اخیر در ضمن بیان سه داستان درباره زنده شدن مردگان به دست خداوند، یعنی داستان احتجاج حضرت ابراهیم علیه السلام با یکی از حکام زمانش (نمرود)، داستان عَزْرَبِ نَبِی (عیاشی، ۱۴۱/۱) و داستان چهار پرنده حضرت ابراهیم علیه السلام بیان شده است.

در آیات پایانی این سوره (۲۶۱-۲۸۲)، مقررات مربوط به سه موضوع دیگر یعنی انفاق، ربا و دَیْن بیان می‌شود. دو آیه پایانی سوره بقره با بیان ویژگی‌های مؤمنان واقعی، به منزله جمع‌بندی و نتیجه‌گیری معارف سوره در سه اصل ایمان به خدا، باور معاد و قبول علمی و عملی همه کتاب‌های آسمانی و رسولان الهی است.

آنچه از ویژگی‌های مؤمنان در این آیات به میان آمده است، پیوند آیه را با آیات آغازین سوره روشن می‌سازد؛ زیرا در نخستین آیات سوره بقره، از ایمان به اصول و فروع سخن گفته شد و آیات پایانی مصداق روشن متقیان را که در صدر سوره بیان شده، رسول خدا و همراهان وی می‌داند (جوادی آملی، ۶۸۵/۱۲).

پس نتیجه می‌گیریم آیات این سوره پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه، به تدریج و در زمان‌های پراکنده نازل شده است (سیوطی، ۲۰/۱؛ طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۰۳ و ۱۰۸؛ بحرانی، ۱۹۴/۱؛ قرطبی، ۱۰۷/۱؛ ابن عادل، ۲۵۰/۱) و زمان دقیق شروع نزول آن به درستی روشن نیست. برخی گفته‌اند نزول آن شش ماه پس از هجرت نبوی آغاز شده است (طباطبایی، المیزان، ۲۸۸/۱۹؛ جوادی آملی، ۳۹/۲)، ولی بعید به نظر می‌رسد که در ماه‌های آغازین هجرت و در جریان وقایعی مانند ساختن مسجد و برطرف کردن اختلاف‌های قومی، آیاتی از این سوره نازل نشده باشد.



درباره پایان نزول سوره نیز گفته‌اند نزول بخشی از آیات آن در ماه رمضان سال دوم هجری، هم‌زمان با جنگ بدر پایان یافته و پس از آن سوره انفال نازل شده است. بنا بر این قول، مقطع زمانی نزول سوره بقره یا هجده ماه آغاز هجرت است (از ربیع‌الاول سال نخست هجری تا ماه رمضان سال دوم)، یا دوازده ماه (از ماه رمضان سال اول تا ماه رمضان سال دوم) (جوادی آملی، ۳۹/۲) که در سی‌وهفت واحد نزول نازل شده و بخش اندکی از آیات آن نیز پس از این تاریخ نازل شده است. شواهد این مدعا بدین قرار است (همان، ۴۰):

۱- سوره مبارکه انفال که دومین سوره مدنی است (سیوطی، ۱۰/۱؛ بحرانی، ۱۹۴/۱؛ طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۰۸؛ همو، المیزان، ۲۲۹/۱۳)، کمی پس از جنگ بدر (جنگ بدر در هفدهم ماه مبارک رمضان سال دوم هجرت واقع شد) نازل شده و سیاق آیات آن گواه خوبی بر مدنی بودن و نزول آن پس از جنگ بدر است؛ زیرا برخی از اخبار جنگ مزبور را بازگو و مسایل مربوط به جهاد، غنایم جنگی و انفال را بیان می‌کند (طباطبایی، المیزان، ۵/۹).

نزول سوره انفال که دومین سوره مدنی است، نشانه پایان یافتن بخش عمده آیات سوره بقره است؛ زیرا هر یک از سوره‌های قرآن به‌منزله فصلی از این کتاب الهی است که با آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» مرزبندی شده است و نزول بسم الله به‌طور قطعی، نشانه آغاز سوره و فصل جدیدی از قرآن بود: «وَأَمَّا كَانُ يَعْرِفُ انْقِضَاءَ السُّورَةِ بِنُزُولِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ابْتِدَاءً لِلْآخِرَةِ» (حویزی، ۶/۱).

۲- بررسی اثباتی محتوا و معارف سوره بقره نیز نشانه نزول آن در مقطع زمانی مزبور است؛ زیرا حوادث و مناسبت‌های سال‌های اول و دوم هجرت، مانند تحویل قبله و احتجاج‌های متقابل در تغییر آن در این سوره منعکس است.

۳- بررسی سلبی مضامین سوره نیز نشانه نزول آن در اوایل هجرت است؛ زیرا هیچ تعرضی به رخدادهای اواسط و اواخر هجرت، مانند مباحله، صلح با صناید قریش و سران طغیان، فتح نهایی و پیروزی فراگیر اسلام و حجة‌الوداع در آن یافت نمی‌شود.

هماهنگی محتوای سوره بقره با فضای نزول

با توجه به مدنی بودن سوره بقره و مقطع زمانی نزول آن در مدینه که دوران تشکیل حکومت اسلامی و استقبال مردم از دین اسلام بود، سیر موضوعات این سوره، گواهی از پاسخگویی این سوره نسبت به مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای مربوط به شکل‌گیری نظام اجتماعی اسلام است. به عبارتی، محتوای سوره بقره در درجه نخست ناظر به موقعیت اجتماعی و فرهنگی مدینه پس از هجرت است. در این زمان ساکنان مدینه را چهار گروه تشکیل می‌دادند:

۱- مسلمانان مهاجر که خانه و کاشانه خود را در مکه رها کرده، با فقر در مدینه زندگی می‌کردند.

۲- مسلمانان انصار که از دو گروه اوس و خزرج تشکیل شده بودند و با وجود سابقه دشمنی دیرینه با هم، در پرتو اسلام با یکدیگر متحد و برادر شده بودند.

۳- یهودیان که از ثروت و امکانات فراوانی برخوردار بوده و با ظهور اسلام، نفوذ و برتری خود را در میان مردم امی از دست داده بودند.

۴- منافقان که با اسلام عناد داشتند، ولی اقتدار مسلمانان در مدینه مانع از آن می‌شد که شرک خود را اظهار کنند و برای حفظ منافع خود، به‌ظاهر ایمان آورده بودند.

هر یک از این گروه‌ها و فعالیت‌های آنها زمینه‌ساز نزول آیاتی از سوره بقره شد. برای مثال ترکیب خاص اجتماعی مدینه در مقطع نزول، زمینه‌ساز نزول آیاتی درباره گروه‌های مزبور و اوصاف آنها شد. یهودیان نیز چون مهم‌ترین گروه مخالف اسلام و نظام اسلامی بودند، بیش از یک‌سوم آیات سوره بقره درباره آنان نازل شده است. همچنین نیاز شدید مسلمانان تهیدست مهاجر از یک سو، نیازهای مالی و جنگ‌هایی که در پیش بود از سوی دیگر، و رباخواری یهودیان، به‌ویژه ربای مضاعف از سوی سوم، زمینه‌ساز نزول آیات انفاق و قرض‌الحسنه بود.

ضرورت توان دفاعی روزافزون مسلمانان برای حراست از کیان اسلام و نظام اسلامی و لزوم تأمین زمینه مناسب برای جنگ‌های آینده، بستر مناسب نزول آیات مربوط به جهاد و شهادت بود.



و بالاخره فراهم شدن زمینه مناسب برای تشریح احکام فقهی بر اثر استقرار نظام اسلامی و استقبال مردم از اسلام، موجب نزول آیات فراوانی درباره احکام فرعی شد (جوادی آملی، ۵۵/۲). از این رو مسائل عبادی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و کیفری فراوانی در این سوره آمده است.

محور اصلی سوره بقره، با توجه به فضای نزول این سوره و محتوای آیات آن، یکی «هدایت متقین و دعوت به تقوا»، و دیگری «مقتضای بندگی خدای سبحان، ایمان به همه پیامبران و همه کتاب‌های آسمانی» است. اما روشن است که هر دو هدف مذکور در حقیقت در طول یکدیگرند؛ به این معنا که ایمان به همه پیامبران و همه کتاب‌های آسمانی نخستین شرط تقواست و مؤمنی که این مرحله را پشت سر بنهد، صلاحیت پیدا می‌کند که به متقین پیوسته و در مسیر هدایت ویژه قرار گیرد (همان، ۴۲۴/۶).

بررسی آیه امامت حضرت ابراهیم علیه السلام در سوره بقره

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْبَأُ لَكَ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/۱۲۴). بر اساس این آیه، امامت مقامی است که از سوی خداوند متعال جعل می‌شود؛ یعنی عهدی الهی و مقامی موهبتی است، نه کسی. خداوند مالک حقیقی همه اشیاء است و حق امر و نهی مطلق از آن اوست، از این رو تبعیت از او امر و نواهی کسی که از سوی خدای تعالی به این مقام رسیده باشد، لازم و واجب است و عبارت ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ آن را تصدیق کرده و درخواست ابراهیم علیه السلام نیز بر آن صحنه می‌گذارد. خداوند نیز جعل امامت را برای ستمکاران نفی می‌کند (حلی، ۶۰/۱).

«امام» در لغت به معنای الگو و پیشواست (جوادی آملی، ۴۱۹/۶؛ مطهری، ۴۶)، پس جعل امامت برای کسی به جهت آن است که مردم به او اقتدا و از او امر و نواهی او تبعیت کنند تا به هدف و مقصد برسند؛ ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾ (سجده/۲۴). در قرآن نیز لفظ امام به همین منظور استعمال شده است (طریحی، ۱۰/۶).

برجسته‌ترین معنایی که امامت مذکور در این آیه بر آن قابل تطبیق است، هدایت باطنی و ملکوتی است؛ یعنی امام هدایت‌کننده‌ای است که با امری ملکوتی که در اختیار دارد، هدایت می‌کند (طباطبایی، المیزان، ۲۷۵/۱ و ۳۰۴/۱۴؛ جوادی آملی، ۴۶۱/۶؛ مکارم شیرازی، ۴۴۲/۱؛ امین، ۶۶/۲؛ مصطفوی، ۱۷۴/۲؛ مطهری، ۲۳۴). پس امامت از نظر باطن یک نحوه ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد، و هدایتش چون هدایت انبیا و رسولان و مؤمنین، صرف راهنمایی از طریق نصیحت و موعظهٔ حسنه نیست، بلکه هدایت امام دست خلق گرفتن و به راه حق رساندن است. از این رو حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آنکه واجد مقام نبوت (هدایت ظاهری مردم و ارائه طریق) بود، به مقام امامت که همان هدایت باطنی مردم و ایصال الی المطلوب است، نائل می‌شود و خداوند او را امام مردم قرار می‌دهد، و این معنا از «جاعل» که اسم فاعل است، به دست می‌آید؛ چون زمانی اسم فاعل عمل می‌کند که به معنای حال یا آینده باشد (ابن عقیل، ۱۰۶/۲).

تناسب آیه امامت حضرت ابراهیم علیه السلام با فضای نزول سوره بقره

در آیات گذشته، خداوند در ابتدا به قرار دادن خلیفه در زمین اشاره کرد و سپس، تبعیت از قرآن (هدایت الهی) را زمینه هدایت بیان کرد و نادیده گرفتن آن را سرآغاز ضلالت. سپس به تفصیل به بیان علل و عاقبت نافرمانی بنی اسرائیل در مقابل هادیان الهی پرداخت و اینکه به دلیل ناسپاسی‌ها و پیمان‌شکنی‌های مکرر خود، از نیل به مقام خلافت خدا در زمین باز ماندند. پس از جعل خلیفه در زمین، سخن از جعل امام در میان مردم به میان می‌آید؛ همان‌هایی که قرار است مصداق خلیفه الهی در زمین باشند. به دیگر سخن، از میان خلفا، عده‌ای به دلیل شایستگی به مقام امامت و رهبری مردم نائل می‌شوند. «کلماتی» که ابراهیم به واسطه آنها آزمایش شد، همان «کلماتی» بود که آدم علیه السلام به واسطه آنها بخشیده شد (طبرسی، ۳۷۸/۱) و ابراهیم علیه السلام از آنها سربلند بیرون آمد.

البته این جعل خداوند می‌تواند تعریضی بر جماعت بنی اسرائیل نیز باشد (ابن عاشور، ۶۸۱/۱)؛ زیرا از نمونه گفتارها و ادعاهای بنی اسرائیل که در آیات پیشین



آمده بود، آن بود که این جماعت معتقد به برتری بر دیگر مردمان بودند. آنها معتقد بودند بهشت مختص آنهاست؛ ﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى﴾ (بقره/۱۱۱)، از این رو حاضر نبودند که از آخرین فرستاده الهی تبعیت کنند.

با توجه به چهار محور اصلی مطرح شده در آیات مربوط به حضرت ابراهیم علیه السلام (۱۲۴-۱۳۴) که عبارت‌اند از ۱- ابراهیم علیه السلام؛ امام مردم، ۲- خانه کعبه؛ مرکز عبادی مردم، ۳- دعای ابراهیم در حق سرزمین مکه و مردمان آن، ۴- دعای ابراهیم و اسماعیل درباره خود و فرزندان‌شان، و اشاره به این نکته که رویگردانی از آیین ابراهیم امری سفیهانه بوده و گرویدن به این آیین، وصیت ابراهیم و یعقوب هم می‌باشد، می‌توان گفت که جهت این آیات، پایه‌گذاری اسلام به دست ابراهیم علیه السلام می‌باشد. و در آیات بعد که پروردگار تبعیت از آیین ابراهیم را در مقابل دعوت به یهودیت و نصرانیت مطرح نموده و اقتضای تبعیت از آیین ابراهیمی را ایمان به هر آنچه که بر پیامبران الهی نازل شده می‌داند، به‌صراحت گرویدن به اسلام را تبعیت حقیقی از آیین ابراهیمی معرفی نموده و انتساب یهود و نصارا به ابراهیم علیه السلام را امری بی‌پایه قلمداد می‌کند.

سپس خداوند ضمن معرفی نمونه‌ای موفق از تحقق آرمان خلافت و بیان نقش محوری ابراهیم علیه السلام و آل پاک او در اسلام، به بنای کعبه به دست ابراهیم و اسماعیل اشاره کرد تا زمینه‌ای برای بیان حکم تغییر قبله باشد؛ چرا که یکی از بهانه‌های مهم اهل کتاب این بود که مسلمانان به‌سوی قبله ایشان می‌ایستند و عبادت می‌کنند و خدای متعال با تغییر جهت قبله به‌سوی بنای مقدس کعبه که یادگار ابراهیم علیه السلام است، این بهانه را از دست ایشان می‌گیرد. بدین ترتیب زمینه برای حکم مهم تغییر قبله از بیت‌المقدس به بیت‌الله الحرام فراهم شد و زمینه شبهه‌افکنی در این باره از بین رفت و قبله مسلمانان به سمت مسجدی تغییر کرد که به دست مبارک ابراهیم و اسماعیل علیه السلام بنا شده است و هم ایشان آرزوی قبولی این بنا را داشته‌اند؛ ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا﴾ و تغییر قبله به آن سو اوج قبولی دعای ایشان است.

کعبه در آغاز جایگاه بتان بود و نهی پیامبر ﷺ از پرستش آنان، مستلزم روی برتافتن از آن بود و همسویی با مکانی را طلب می‌کرد که مخصوص یکتاپرستان و موحدان باشد، از این رو مسلمانان در آغاز به سوی بیت‌المقدس نماز گزاردند؛ چرا که بیت‌المقدس، قبله ادیان توحیدی و همسویی پیامبر ﷺ با اهل کتاب، نمایانگر استمرار و تکامل رسالت وی در راستای رسالت انبیای پیشین، به‌ویژه ابراهیم علیه السلام و تصدیق رسالت موسی و عیسی علیهما السلام بود. مسلمانان در چنین شرایطی می‌بایست از یک سو هویت مستقل خود را نمایان می‌ساختند، و از سوی دیگر، همبستگی و اتصال خود را با رسالت انبیای گذشته حفظ می‌کردند. پس از تغییر قبله، تنها دستاویز اهل کتاب در ادعای پوچ سبقت به ایمان از بین رفت؛ زیرا ایشان مسلمانان را تابع قبله خودشان دانسته و همین امر را بهانه‌ای برای اثبات مدعای خود قرار می‌دادند.

سپس برای مقابله با توطئه اهل کتاب در زمینه تغییر قبله و کتمان آن، به‌رغم آگاهی آنها از حقانیت این حکم، مسلمانان را از مجادله با آنها باز می‌دارد و آنها را دعوت به صبر و آماده‌سازی برای جهاد می‌نماید.

از طرفی با توجه به اینکه پس از ورود پیامبر به مدینه بیشتر ساکنان آن را یهودیان تشکیل می‌دادند و آنها همبستگی و ارتباط محکمی را بین خود و ابراهیم علیه السلام مدعی بودند؛ به‌طوری که خود را وارث ابراهیم و آیین او می‌دانستند، برای اثبات بیگانگی آنها از ابراهیم علیه السلام و آیین او و ابطال دعوی آنان، لازم بود مرام و مسلک این پیامبر بت‌شکن و فداکاری‌ها، تقوا، مطیع محض بودن و روحیه تسلیم او نسبت به ساحت قدس ربوبی به رخ آنان کشیده شود و ثابت گردد که ملت و آیین ابراهیم، همان توحید و تسلیمی است که رسول مکرم ﷺ، جامعه را به آن فرا می‌خواند، نه هوس‌ها و اباطیلی که یهودیان به آن دل بسته‌اند. آنچه ایشان مدعی آن بوده و به حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت می‌دهند، افتزایی بیش نیست و رفتار و کردار و گفتار ابراهیم و پیامبران ابراهیمی که فرزندان او هستند، به آن گواهی می‌دهد؛ آنان با گفتار و عمل خود از یک سو منادی توحید و تسلیم، و از سوی دیگر، مبطل شرک و شکننده بت بودند و از سوی سوم، به حقانیت رسول مکرم ﷺ گواهی دادند؛ ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ...﴾ (بقره/۱۲۹).



نتیجه گیری

از مجموع مباحثی که گذشت، به نکات زیر به عنوان اصلی ترین دستاوردهای این نوشتار می توان اشاره کرد:

۱- اهل کتاب یکی از مهم ترین جریان های اجتماعی در فضای نزول سوره بقره در آغازین روزهای هجرت به مدینه هستند. پس یهودشناسی حاصل از این سوره در پرتو آیات مربوط به حضرت ابراهیم علیه السلام، نیاز مسلمانان را به شناسایی مهم ترین دشمنان خود و اصلی ترین مانع تشکیل و استقرار نظام اسلامی برطرف می کند.

۲- امامت ابراهیمی تجلی تحقق خلافت الهی است. با توجه به اینکه از یک سو حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان بنیان گذار اسلام معرفی شده و از سوی دیگر همگان به تبعیت از آیین ابراهیمی (آیین و سیره ای که ذره ای انحراف از حق در آن مشاهده نمی شود) فرا خوانده شده اند، اقتضای این تبعیت را ایمان به آیین اسلام و قرآن می داند.

۳- قبله نمادی از استقلال هویت مسلمانان است و تغییر قبله یکی از مراحل آزمایش و تکامل انسان و مصداقی از هدایت الهی است که با بیان شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام و بنای خانه کعبه به دست پربرکت او و دعوت به آیین ابراهیمی و نفی انتساب یهود و نصارا به حضرت ابراهیم علیه السلام آغاز شد و برگشتن به کعبه، رمز برگشتن به دین ابراهیم و دین توحید و مرز آشکار جدایی مؤمنان واقعی از مدعیان دروغین ایمان است و در نتیجه باعث تقدم مسلمانان و دین اسلام می شود.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سعد، محمد؛ الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر، بی تا.
۳. ابن عادل، عمر بن علی؛ اللباب فی علوم الکتاب، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر والتنویر، بی جا، بی تا، بی نا.
۵. ابن عقیل، عبدالله بن عبدالرحمن؛ شرح ابن عقیل، قاهره، دار التراث، ۱۹۸۰م.
۶. احمدی، حبیب الله؛ پژوهشی در علوم قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۷. امین، نصرت بیگم؛ مخزن العرفان در تفسیر قرآن، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام، ۱۳۸۹ش.
۸. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۹. بهجت پور، عبدالکریم؛ همگام با وحی، قم، سبط النبوی، ۱۳۸۷ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۵ش.
۱۱. حسکانی، عبیدالله بن احمد؛ شواهد التنزیل، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۲. حلی، حسن بن سلیمان؛ مختصر بصائر الدرجات، بیروت، دارالمفید، ۲۰۰۳م.
۱۳. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
۱۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الإتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۶. _____؛ قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، بی تا.
۱۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود؛ التفسیر العیاشی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۲۲. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.
۲۳. مطهری، مرتضی؛ امامت و رهبری، تهران، صدرا، بی تا.
۲۴. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۵. مغنیه، محمدجواد؛ التفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب السلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۷. واحدی، علی بن احمد؛ اسباب نزول القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.